

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٧٤٢

۸۷/۱/۱۰۵۷۳۹
۸۷/۱/۲۰



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه جهت اخذ درجه ی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

باورهای دینی در شعر ناصر خسرو

استاد راهنما:

دکتر سید مهدی رحیمی

استاد مشاور:

دکتر محمد رضا راشد محصل

نگارنده:

صدیقه مودی

۱۳۸۷ / ۹ / ۲۳

اسفند ۱۳۸۶

۱۰۶۴۹۳

تاریخ:
شماره:
پیوست:

صورتجلسه دفاع از پایان نامه ی تحصیلی دوره ی کارشناسی ارشد

با تأییدات خداوند متعال، جلسه ی دفاع از پایان نامه ی تحصیلی کارشناسی ارشد خانم صدیقه مودی

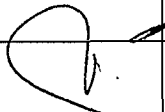
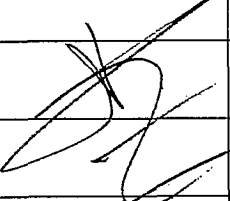


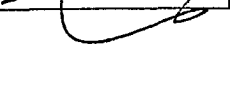
به شماره دانشجویی: ۸۴۱۳۲۰۷۰۶۶ رشته: زبان و ادبیات فارسی گرایش: -

دانشگاه: ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند

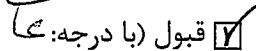
تحت عنوان: باورهای دینی در شعر ناصر خسرو

به ارزش: ۴ واحد در ساعت: ۲۰-۱۸ روز: چهارشنبه مورخ: ۸۶/۱۲/۲۲

با حضور اعضای محترم هیأت داوران متشکل از:

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	سمت
	استادیار	دکتر سیدمهدی رحیمی	استاد راهنمای اول
	—	—	استاد راهنمای دوم
	استادیار	دکتر محمدرضا راشد محصل	استاد مشاور اول
	—	—	استاد مشاور دوم
	استادیار	دکتر بتول مهدوی	داور اول
	استادیار	دکتر محمد بهنام فرد	داور دوم
	استادیار	دکتر عبدالرحیم حقدادی	نماینده تحصیلات تکمیلی

تشکیل گردید، نتیجه ارزیابی به شرح زیر مورد تأیید قرار گرفت:

قبول (با درجه: ) و امتیاز: ۱۹ (نوزده) دفاع مجدد مردود

۱- عالی (۲۰-۱۸) ۲- بسیار خوب (۱۷/۹۹-۱۶) ۳- خوب (۱۵/۹۹-۱۴) ۴- قابل قبول (۱۳/۹۹-۱۲)

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، اقتباس و... از پایان نامه
کارشناسی ارشد یا رساله دکتری برای دانشگاه بیرجند محفوظ است.
نقل مطالب با ذکر ماخذ بلامانع است.

تقدیم به :

روح روشن بین قرن پنجم

و در یکتای زبان دری که در گستره ی بیکران دریای ادبیات نهفته ماند.

تقدیر و تشکر

حمد و سپاس خدای سبحان را که لطف بی دریغ و رحمت بی منتهاش پیوسته مرا یاری کرد و

چراغ هدایتش را هم را روشن ساخت تا از خرمن بیکران علم و دانش خوشه ای برچینم.

پس از حمد و سپاس باری تعالی ، از عنایت و توجه خالصانه و همکاری بی شائبه‌ی استاد

بزرگوار جناب آقای دکتر سید مهدی رحیمی و جناب دکتر محمد رضا راشد محصل که پیوسته مرا

یاری کردند و چراغ دانش خویش را برای نور گرفتن در اختیارم نهادند و پا به پا در سختی های راه

همراه و مشاورم بودند ، کمال تشکر را دارم.

در نهایت از پدر و مادر این اسطوره‌های گذشت و فداکاری - همسر مهربانم که بردباری اش

سختی های راه را برایم هموار ساخت، سپاسگزاری می کنم.

چکیده :

ناصر خسرو قبادیانی شاعر و نویسنده‌ای توانا و از نوایغ ادبیات در قرن پنجم است که شعر را در خدمت فکر اخلاقی قرارداد و آن را مرکوب اندیشه‌ی خویش ساخته است .

مضامین متعدد دیوان حکیم خراسانی شامل : خرد و خردورزی ، نگاه به دنیا و نکوهش آن ، انتقاد از امرا و سلاطین ، علم و دانش ، مسائل فلسفی ، وصف طبیعت ، مضامین اخلاقی و .. است . اصلی ترین موضوع دیوان ناصر خسرو باورهای دینی است که تلاش شده تا به اساسی ترین باورهای دیوان ناصر خسرو پرداخته شود .

به طور کلی این پژوهش در سه فصل تدوین شده :

فصل اول : بررسی روزگار ، زندگی و آثار ناصر خسرو است . در این فصل سه گفتار مطرح

شده .

گفتار اول : روزگار ناصر خسرو ، گفتار دوم : زندگی نامه ناصر خسرو و گفتار سوم آثار ناصر

خسرو است .

فصل دوم : نگاهی به جهان بینی و درون مایه‌های شعری است . در این فصل بعد از ذکر

مقدمه‌ای کوتاه ، مضامین و درون مایه‌های شعر ناصر خسرو مطرح شده است .

فصل سوم : باورهای دینی در اشعار ناصر خسرو ، شامل عقاید عقاید خاص فرقه اسماعیه است .

بعد از مقدمه‌ای کوتاه درباره‌ی عقاید فرقه‌ی اسماعیلیه ، دوازده گفتار مطرح می شود که بر

حسب اهمیت به توحید ، قضا و قدر ، جبر و اختیار ، عقل و صدور سایر اشیاء ، نبوت ، امامت و

تقسیم

معاد

می شود .

واژگان کلیدی : کلام ، دین ، اخلاق ، جهان بینی ، اسماعیلیه ، شعر ناصر خسرو ، باورهای دینی .

«فهرست مطالب مندرج»

مقدمه..... ۱

فصل اول : روزگار زندگی و آثار ناصر خسرو

گفتار اول : روزگار ناصر خسرو..... ۵

گفتار دوم : زندگی نامه ناصر خسرو..... ۱۱

الف (کودکی و نوجوانی..... ۱۱

ب (چهل سالگی و تحول روحی ناصر خسرو..... ۱۳

ج (مذهب ناصر خسرو..... ۲۲

گفتار سوم : آثار ناصر خسرو..... ۶۰

یادداشت ها..... ۶۷

فصل دوم : نگاهی به جهان بینی و درون مایه های شعر ناصر خسرو

مقدمه..... ۷۶

درون مایه های اشعار ناصر خسرو..... ۷۹-۱۲۴

الف - خرد خرد گرایی..... ۸۰

ب - دنیا و زمانه در نگاه ناصر خسرو..... ۸۲

ج - انتقاد از امراء و سلاطین..... ۹۳

د - علم و دانش و فضیلت..... ۹۶

ه - مسائل فلسفی..... ۹۸

- و - مدح خلفای فاطمی و بخصوص المستنصر..... ۱۰۰
- ز - وصف طبیعت..... ۱۰۳
- ح - مضامین اخلاقی..... ۱۰۶
- ط - باورهای دینی..... ۱۲۴
- یادداشت ها..... ۱۲۵

فصل سوم : باورهای دینی در اشعار ناصر خسرو

- مقدمه..... ۱۲۸
- گفتار اول : توحید..... ۱۳۲
- گفتار دوم : قضا و قدر..... ۱۴۵
- گفتار سوم : جبر و اختیار..... ۱۴۹
- گفتار چهارم : عقل..... ۱۵۱
- گفتار پنجم : صدور اشیاء..... ۱۵۷
- گفتار ششم : نبوت..... ۱۵۹
- گفتار هفتم : امامت..... ۱۶۹
- مقدمه..... ۱۶۹
- الف (نیاز مردم به امام..... ۱۷۱
- ب (ضرورت وجود امام..... ۱۷۳
- ج (وظایف پیروان در مقابل امام..... ۱۷۵
- د (ویژگی امامان..... ۱۸۱
- ه (ولایت و غدیر خم..... ۱۸۷

- ز) نعت دیگر امامان و حضرت زهرا (س)..... ۱۹۴
- و) مهدی موعود..... ۱۹۶
- گفتار هشتم : معاد ۱۹۸
- الف) قیامت..... ۱۹۹
- ب) تن و جان ۲۰۲
- ج) نشانه های روز قیامت..... ۲۰۶
- د) حساب..... ۲۰۹
- ه) برزخ..... ۲۱۱
- و) بهشت و دوزخ..... ۲۱۲
- ز) لذت های بهشت و دوزخ ۲۱۵
- گفتار نهم : تاویل..... ۲۱۷
- گفتار دهم : حلول و تناسخ..... ۲۲۶
- گفتار یازدهم : دوگانگی..... ۲۲۸
- گفتار دوازدهم : احکام فرعی و سایر موارد..... ۲۲۹
- الف) نماز..... ۲۲۹
- ب) خمس و زکات..... ۲۳۱
- ج) حج..... ۲۳۲
- د) روزه ۲۳۳
- ه) قرآن خواندن..... ۲۳۴
- و) حرام بودن ربا..... ۲۳۶

- ۲۳۶.....زنا.....(ز)
- ۲۳۷.....غیبت.....(ح)
- ۲۳۷.....مال یتیم نخوردن.....(ط)
- ۲۳۷.....حرام بودن شراب.....(ی)
- ۲۳۸.....ارزش شب قدر.....(ک)
- ۲۳۸.....ابلیس.....(ل)
- ۲۴۲.....یادداشت ها.....
- ۲۵۳.....نتیجه گیری و بحث.....
- ۲۵۶.....فهرست آیات و احادیث.....
- ۲۵۸.....واژه نامه.....
- ۲۷۱.....ضمیمه.....
- ۲۷۲.....کتاب نامه.....

ناصر خسرو شاعرو نویسنده ای توانا، حکیمی چیره دست، مبلغ و جهانگردی، تعصب و عصیان گر است. که موقعیت زندگی و محیط حاکم بر جامعه ی وی از او مجاهدی مبارز و انسانی تندخو ساخته است. منتقدی که نیش تند زبانش فقها و قضات رشوه خوار و امرا و سلاطین خوش گذار و عیش جو و شاعران مداح متملق را می آزارد.

حکیم قبادیانی که دیوان اشعارش بستر افکار کلامی و باورهای دینی اسماعیلیان است آن چنان متعصبانه به خلفای فاطمی می نگرد و به باورهای آنها اعتقاد راسخ دارد که شاید بتوان علت آوارگی و بدبختی او را در تنگنای یمگان به خاطر همین تند روی ها دانست.

آنچه بیشتر از همه چیز ما را برانگیخت تا در حد توانایی باورهای دینی در اشعار ناصر خسرو را مورد بررسی قرار دهیم. ناآشنایی و بی علاقتگی به خواندن آثار ناصر خسرو و نشناختن مقام و جایگاه والای او در ادب فارسی است. شاعری گرانقدر که دُرّ زبان دری را به پای خوکان نمی ریزد و شعرش را نه بستری برای ستایش افراد نالایق بلکه خرمی از پند و اندرز و نصیحت قرار می دهد تا چراغ راه و راهنمایی مطمئن برای رسیدن به سعادت باشد.

از مطالعه ی آثاری که تا کنون درباره ی ناصر خسرو نوشته شده به این نتیجه می رسیم، که اغلب بررسی زندگی نامه، آثار و چکیده ای از قصاید وی می باشد. حتی کتاب "تحلیل اشعار ناصر خسرو" نیز که به همت دکتر مهدی محقق تهیه شده بیشتر به معنی لغات و آیات و احادیث مطرح شده در دیوان حکیم قبادیانی می پردازد و هیچ یادی از باورهای دینی که فهم اشعار ناصر خسرو بدون دانستن آنها امکان پذیر نیست، نکرده است. تنها در مقدمه ی "دیوان ناصر خسرو" که به قلم

سید حسن تقی زاده نگاشته شده به طور مختصر به باورهای دینی اسماعیلیه اشاره شده که آن هم کامل نیست. روش کار در این رساله بدین صورت بود که پس از انتخاب و تصویب موضوع پایان نامه فهرستی از منابع و ماخذ مورد نیاز را تهیه و کار فیش برداری را آغاز کردم. در تمام این مراحل نظریات و ارشاد اساتید محترم راهنما و مشاور راهگشای من بود. پس از پاکتویس نوشته ها، پژوهش حاضر تهیه و تنظیم گردید. این رساله در سه فصل تدوین گردید که در پایان هر فصل، فهرست منابع مربوط به آن درج شده و در پایان رساله نیز فهرست کاملی از منابع و ماخذ ذکر گردیده است.

در فصل اول رساله سه گفتار مطرح شده که در ذیل گفتارها: روزگار، زندگی و آثار ناصر خسرو مورد مطالعه قرار می گیرد و با نظر استاد راهنما بخشی که مربوط به اسماعیلیه بوده در ذیل مذهب ناصر خسرو قرار گرفته تا پیوند آن با زندگی ناصر خسرو کاملا حفظ شود. اما در این مبحث از باورهای دینی و اعتقادات اسماعیلیه یاد نشده، تا به طور مفصل در فصل سوم رساله به آن پرداخته شود.

فصل دوم نگاهی به جهان بینی و درون مایه های شعر ناصر خسرو است؛ که بعد از ذکر مقدمه ای کوتاه، درون مایه های شعر ناصر خسرو مطرح می شود. در این فصل غیر از باورهای دینی و مسایل اخلاقی، بقیه موارد تقریبا بر حسب اکثریت ابیاتی است که در دیوان ناصر خسرو به آن رسیده ام.

فصل سوم رساله که مبحث اصلی پژوهش ماست به باورهای دینی در اشعار ناصر خسرو اختصاص دارد که شامل مقدمه ای کوتاه درباره عقاید اسماعیلیه و دوازده گفتار می شود. ترتیب و اساس این گفتارها این گونه بوده است که به خاطر اهمیت اصل توحید و خداشناسی و پیوند آن با قضا و قدر، جبر و اختیار در ابتدا از توحید یاد کردیم و در زیر مجموعه بحث توحید به دیگر صفات الهی همچون صانع بودن، عادل بودن و یکتا بودن (با ذکر نمونه هایی از ابیات ناصر خسرو) پرداختیم.

در ادامه ی این گفتارها به عقل که نخستین آفریده ی باری تعالی است و از ابداع آن دیگر اشیا صادر شده است، اشاره می کنیم که بی ارتباط با بحث توحید نیست. گفتارهای دیگر نیز بر اثر اهمیت مباحث به نبوت، امامت و معاد تقسیم می شوند که هر کدام نیز زیر مجموعه هایی خواهند داشت.

تاویل به عنوان اساسی ترین رکن مذهب اسماعیلیه در انتها ذکر شد تا پیوند آن با تمام عقاید اسماعیلیه مشاهده شود. البته گفتار آخر رساله که احکام فرعی (سایر موارد) است در مورد اعتقاداتی است که در اصل تفاوتی با مذهب اثنی عشری و دیگر فرق شیعه ندارد، اما چون دانستن آنها خالی از لطف نیست از آن یاد کردیم.

ابیاتی که ما در این رساله به آن استناد جستیم از دیوان اشعار ناصر خسرو مشتمل بر روشنائی نامه، سعادت نامه، قصاید و مقطعات به قلم آقای تقی زاده، مینوی و دهخدا، دنیای کتاب، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۲ استخراج شده است. و ارجاعات این رساله نیز بر اساس کتاب « راهنمای نگارش و ویرایش » تالیف دکتر محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح می باشد.

در نهایت نیز از همکاری صمیمانه اساتید بزرگوار راهنما و مشاور جناب دکتر سید مهدی رحیمی و دکتر محمد رضا راشد محصل که در به پایان رساندن این رساله همراه و مشاورم بودند، کمال تشکر و سپاس را دارم.

فصل اول :

بررسی روزگار، زندگی و آثار ناصر خسرو

محیط زندگی هنرمند در شکل گیری شخصیت و جهان بینی وی موثر است. به همین دلیل قبل از پرداختن به زندگی نامه ی ناصر خسرو که سخنگوی بحران فرهنگی و ناهمواری ایران است؛ بایستی به شرایط و روزگاری که ایران در تاخت و تاز دو قوم بیگانه ی غزنوی و سلجوقی به سر می برد و بازتاب آن را در آثار حکیم می توان مشاهده کرد؛ پرداخت. ناصر خسرو قبادیانی شاعری سیاسی است و با توجه به ماموریت سیاسی و مذهبی اش که تبلیغ و پیوستگی به فاطمیان بوده در مقابل عباسیان و سلجوقیان قرار گرفته است. او در سراسر آثارش با تلخی از حکومت سلجوقیان یاد می کند و به روزگار سامانیان که به فرهنگ و ایرانی عنایت داشته اند، با نگاهی حسرت بار می-نگرد.

همه دیگر شده است احوال و سامان

خراسان ز آل سامان چون تهی شد

به زیر دست قومی زیر دستان

زیس دستان و بی دینی بماند است

دیوان، ص ۳۲۶

در این جا لازم است به تاسی از کسانی که در باب جامعه شناسی ادبیات مطالبی نوشته اند و معتقدند که می توان « با روشی علمی جوهر اجتماعی آثار ادبی، شرایط و مقتضیات محیط اجتماعی دربرگیرنده و پرورنده ی شاعر و نویسنده، جهان بینی و موضع فکری و هنری آنان، مباحث و موضوعات و سفارش های اجتماعی مورد توجه در آثار ادبی را مورد مطالعه قرار داد.» به اوضاع ایران در دوره حاکمیت سلجوقیان و تاثیر حکومت ترکان بیگانه در آثار ناصر خسرو پردازیم.

«سلجوقیان در اصل خاندانی از روسای قبیله ی «فتق» از اقوام غزی بودند که موطن و سرزمین اصلی آنها دشت های شمال دریای خزر و دریاچه ی آرال بود. اینان درحوالی قرن ۱۱ ه.ق به دین اسلام درآمدند و از طریق خوارزم و ماوراءالنهر به عنوان سپاه مزدور وارد خدمت قدرتهای نظامی شدند و قدم در دنیای اسلام گذاشتند.»^۲ سلجوقیان در تعصب و سنی گری و طرفداری از خلفای عباسی و تعقیب اهل بدعت و قرامطه از غزنویان عقب تر نبودند، بلکه حتی بعد از وزارت نظام الملک شدیدتر نیز شد.^۳

«تکیه ی این امرای صحرائشین و بی تربیت به دو چیز بود: اول به ایل و طایفه و دوم به دین اسلام و تربیت اهل سنت و جماعت و اظهار انقیاد مطلق به ائمه ی دین و خلیفه و متصوفه و این دو عمل تأثیری خاص در امور اجتماعی و علمی و ادبی خراسان بخشید.»^۴

خراسان که روزگاری «جلوه گاه صورت و معنی» بود، حال به تلی از خاک بدل شده بود. و جایگاهی که محل علم و ادب بود اکنون مرکز شیطان گشته بود.

معدن دیوان ناکس اکنون شد	خاک خراسان چو بود جای ادب
خانه اش ویران و بخت و آرون شد	حکمت را خانه بود بلخ و کنون
چونکه کنون ملک دیو ملعون شد؟	ملک سلیمان اگر خراسان بود
دین به خراسان قرین قارون شد	خاک خراسان بنخورد مردین را
خاک خراسان مثال و قانون شد	خانه ی قارون نحس را به جهان

دیوان ، ص ۱۰۲

حجت معروف خراسان که هم زمان با اتقراض سلسله ی ترکان غزنوی و روی کار آمدن
 ترکمانان سلجوقی در خراسان فعالیت خود را آغاز کرد نه از غزنویان دل خوشی داشت و نه از
 سلجوقیان که ترکانی بیگانه محسوب می شدند. او خراسان را جای دونان
 می داند و آنها را دیوانی معرفی می کند که دین را از خراسان بیرون کرده اند و بواسطه ی همین بی-
 دیتی است که ایران ویران شده است.

خراسان جای دونان شد ننگجد
 به یک خانه درون آزاده یا دون

نداند حال و کار من جز آن کس
 که دونانش کنند از خانه بیرون

همانا خشم ایزد بر خراسان
 برین دونان بیازید است گردون

که او باشی همی بی خان و بی مان
 درو امروز خان گشتند و خاتون

دیوان، ص ۳۲۹

برون کرد است زایران دیو دین را
 زبی دینی چنین ویران شد ایران

مرا پورا زدین ملکی است دردل
 که آن هرگز نخواهد گشت ویران

دیوان، ص ۳۲۴

جزیره ی خراسان چو بگرفت شیطان
 در و خار بنشانند و برکنند عرعر

دیوان، ص ۱۶۹

«یکی از موضوعات مهم قابل توجه در دوره ی سلجوقی این است که شاعران از افراد فاضل و ادیب بودند و از آغاز این عهد تا پایان این دوره (۴۲۹-۵۵۲ ه.ق) عده ی کثیری از شاعران را می یابیم که به علوم مختلف سرگرم و گاه دارای تألیفات و تصانیفی در آن علوم بودند. حکیم قبادیانی یکی از همین شاعران تواناست که هم متکلم و هم فیلسوف و هم صاحب اطلاعات وسیع در علوم مختلف معقول و منقول بود.»^۵

او در اشعار و در سفرنامه و سایر کتب خود مکررا به احاطه خود به علوم مختلف از جمله حساب، نجوم، فلسفه و علم کلام اشاره کرده است.^۶

برای روشن شدن محیط اجتماعی دوره ی سلجوقی و اوضاعی که شعر این دوران به نشو و نمای خود ادامه داد، نخستین نکته ی قابل بحث توجه و عدم توجه ی امرا و سلاطین و وزیران سلجوقی به شعر و ادبیات فارسی است.

بی علاقه ی و ناآشنایی ترکان بیگانه در آغاز امرا ادبیات فارسی برعکس غزنویان که مدتها پرورش یافته ی فرهنگ ایرانی بودند و شاعران بسیاری را گرد خود جمع کرده بودند؛ برای شاعر ادیب و فاضلی که به خاطر افول دولت غزنوی و بسط قدرت سلجوقی به دربار آنان شتافته، بسیار سخت و گران بود.

حکیم قبادیانی که تقرب وی در دربار مسعود غزنوی تا آن جا بود که لقب «خواجه ی خطیر» گرفته بود. اکنون با بی علاقه ی ترکان بیگانه مواجه شد.

میرم همی خطاب کند خواجه خطیر

پیش وزیر باخطر و حشمتم بدانک

ناصر خسرو از روزگار غلبه ترکان به کامروایی نادانان و محروم ماندن دانایان و روزگاری که

شهرت دتایان به پایان رسیده، یاد می کند.

آن روزگار شد که حکیمان را

توفیق تاج بود و خرد یاره

و ندر جهان ستوده بدو شهره

دانا به سان کوب سیاره

دیوان، ص ۳۸۷

ناصر خسرو این روزگار راروزگار آشکار شدن جهل و بی باکی و حرام شدن دانش و

آزادگی می داند.

دانش و آزادگی گشته حرام

جهل و بی باکی شده فاش و حلال

رادمردان بندگان را گشته رام

باژگونه کرده عالم پوستین

دیوان، ص ۲۹۹

ناصر خسرو خود را از آزادگان یعنی ایرانی خالص می داند و به نژاد ایرانی و دهقانی خویش

افتخار می کند. او تأسف می خورد که سرزمین آزادگان به دست ترکان افتاده و دجال بر امت محمد

(ص) حاکم شده است.

بودند خوار و عاجز همچون زنان سرایی

ترکان به پیش مردان زین پیش در خراسان

کردن به پیش ترکان پشت از طمع دوتایی

امروز شرم ناید آزاده زادگان را

دیوان، ص ۴۶۱